

بررسی رابطه پاداش مدیران، دوگانگی مدیر عامل و ضعف کنترل داخلی سازمان بر حق الزحمه حسابرسی

امیر شمس^{۱*}

مینا جامی^۲

محمود نعمتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

چکیده

بحث و موضوع اصلی در این پژوهش بررسی میزان تاثیر پاداش مدیران، دوگانگی مدیر عامل و کیفیت کنترل های داخلی بر حق الزحمه حسابرسی می باشد. حق الزحمه حسابرسی مبلغ درج شده در صورت های مالی مورد نظر قرار گرفته است و پاداش مدیران از طریق تصمیمات جلسه مجمع عمومی استخراج شده است. مبنای دوگانگی مدیر عامل نیز منتسب بودن همزمان مدیریت عامل و رئیس یا معاون رئیس هیئت مدیره به یک شخص که از گزارشات هیئت مدیره بدست آمده است و کیفیت کنترل های داخلی نیز، مبنای اندازه گیری آن اشاره کردن حسابرس در گزارش خود مبنی بر ضعف با اهمیت کنترل داخلی، در نظر گرفته شده است. جهت بررسی موضوع تحقیق در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ نمونه ای به صورت حذف سیستماتیک انتخاب گردید که متشکل از ۹۱ شرکت بوده است و برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون پانلی و از آزمون چاو و هاسمن به منظور انتخاب بین مدل های ترکیبی، آثار ثابت و آثار تصادفی استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین لگاریتم طبیعی پاداش مدیران و سطح حق الزحمه حسابرسی شرکت وجود دارد و از طرف دیگر رابطه معناداری بین نقش دوگانگی مدیر عامل و ضعف کنترل های داخلی با میزان حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد.

واژگان کلیدی

پاداش مدیران، دوگانگی مدیر عامل، کنترل داخلی سازمان، حق الزحمه حسابرسی، بورس اوراق بهادار

۱. استادیار، گروه حسابداری، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. گروه مدیریت، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران.

۳. گروه مدیریت، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران

مقدمه

گسترش روزافزون جوامع و جهانی شدن اقتصاد نیازهای اطلاعاتی متفاوتی را فراهم می کند. از این رو تمامی حرفه ها از جمله حسابرسی باید تلاش کنند تا با تغییرات فناوری در راستای نیازهای جامعه حرکت کنند. در این محیط، استفاده کنندگان برای تصمیم گیری به اطلاعات مختلفی نظیر اطلاعات مالی نیاز دارند. صورت های مالی مهمترین منبع تأمین اطلاعات مالی می باشد؛ اما مسئله قابل توجه در اینجا میزان قابلیت اتکای صورت های مالی می باشد. شرکت ها به منظور تأیید قابلیت اتکای صورت های مالی، از حسابرسان به عنوان مهر تأیید بر قابلیت اتکای صورت های مالی کمک می گیرند.

درواقع نقش حسابرسی ارزیابی کیفیت اطلاعات برای استفاده کنندگان می باشد. حسابرسی صورت های مالی، از مهم ترین ابزارهای حصول اطمینان به منظور شفافیت اطلاعات مالی شرکت ها به شمار می رود و لذا کیفیت حسابرسی، از موضوعات بااهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه می باشد.

حسابرسان در ازای انجام عملیات حسابرسی حق الزحمه^۱ دریافت می نمایند عموماً حق الزحمه حسابرسی براساس اندازه شرکت ها، پیچیدگی و حجم عملیات و نوع حسابرس که صورت های مالی شرکت را حسابرسی می کند تعیین می شود (کریم^۲، ۲۰۱۰).

همچنین یکی از عواملی که کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار می دهد، حق الزحمه های پرداخت شده به حسابرسان می باشد زیرا با افزایش حق الزحمه ی حسابرسان، تلاش حسابرسان افزایش می یابد و در نتیجه موجب بالاتر رفتن کیفیت حسابرسی می شود. همچنین حق الزحمه بیشتر حسابرسان را از لحاظ اقتصادی به مشتریان خود وابسته می سازد و چون حسابرسان نمی خواهند منافع خود را در شرکت از دست دهند سعی می کنند فعالیت های خود را به کیفیت بالاتری انجام دهند (هویتاش^۳ و همکاران، ۲۰۰۷).

زمانی که سهامداران یک شرکت وظیفه تصمیم گیری را به مدیریت محول می کنند، مدیریت انگیزه هایی جهت فعالیت هایی دارد که منافع مورد انتظارش را حداکثر کند، حتی اگر این فعالیت ها در جهت منافع سهامداران نباشد. مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیران جهت گمراه کردن بعضی ذینفعان (شامل سهامداران، اعتبار دهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و ...)، درباره عملکرد شرکت یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، با اعمال قضاوت خود در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات، تغییر ایجاد کنند (رائو و داندال^۴، ۲۰۰۸).

¹ Audit fees

² Karim

³ Hoitash

⁴ Rao and Dandale

در واقع مدیریت سود نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت جهت رسیدن به یک سطح مطلوب و مورد نظر می باشد. از جمله انگیزه هایی که موجب این اقدام می شود می توان به تاثیر بر قیمت سهام، افزایش حقوق و مزایای مدیریت و جلوگیری از نقض قراردادهای وام اشاره کرد. اکثر این انگیزه ها به منافع آتی مانند پاداش^۵ مربوط می شود (داینیک^۶، ۲۰۰۸).

میزان پاداش مدیران می تواند مشوق آنها برای دستکاری سود باشد و موجب افزایش ریسک حسابرسی شود. میزان ریسک حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی موثر است. تحقیقات قبلی نشان داده اند که پاداش مدیران تا حد زیادی بر دستکاری ارزیابی های صورت های مالی توسط مدیریت مرتبط است (برگ استریسر و فیلیپون^۷ ۲۰۰۶؛ افندی و اسریواستوا و سانسون^۸، ۲۰۰۷؛ لارکر، ریچاردسون و تونا^۹، ۲۰۰۷؛ جایارامان و میلبورن^{۱۰}، ۲۰۱۵). در این راستا تحقیقاتی برای بررسی اینکه پاداش مدیران، درک حسابرسان از ریسک موجود را تحت تاثیر قرار می دهد از حق الزحمه حسابرسی استفاده کردند. نتایج این مطالعات نشان دادند که پاداش مدیران، حق الزحمه حسابرسی را تحت تاثیر قرار می دهد (بیلینگ، جئو و جیا^{۱۱}، ۲۰۱۴؛ چن، گوآل، ویرارقوان و زولوتوی^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ کانون، اسکانتز و هیگز^{۱۳}، ۲۰۱۴؛ کیم، لی و لی^{۱۴}، ۲۰۱۵).

دوگانگی^{۱۵} وظیفه مدیرعامل به وضعیتی اطلاق می شود که مدیر عامل شرکت، همزمان در هیئت مدیره به عنوان رئیس هیئت مدیره یا نایب رئیس هیئت مدیره ایفای نقش کند. در واقع در چنین شرکتی نقش نظارت بر امور مدیر عامل توسط رئیس هیئت مدیره یا نایب رئیس هیئت مدیره ضعیف شده و باعث می گردد مدیران با توجه به قدرتی که دارند بیشتر دست به انجام اموری بزنند که منافع شخصی خود را افزایش دهند و از آنجایی که طبق تئوری نمایندگی تضاد منافع بین سهامداران (مالکان) و مدیران (نماینده) وجود دارد؛ بنابراین سهامداران نیاز به اطلاعات مالی با سطح اطمینان بالایی جهت تصمیم گیری های مالی دارند. درواقع نقش حسابرسی ارزیابی کیفیت اطلاعات برای استفاده کنندگان می باشد. حسابرسی صورت های مالی، از مهم ترین ابزارهای حصول اطمینان به منظور شفافیت اطلاعات مالی شرکت ها به شمار می رود و لذا کیفیت حسابرسی، از موضوعات بااهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه می باشد.

⁵ Reward

⁶ Dounnik

⁷ Bergstresser and Philippon

⁸ Efendi, Srivastava, & Swanson

⁹ Larcker, Richardson, & Tuna

¹⁰ Jayaraman & Milbourn

¹¹ Billings, Gao, & Jia

¹² Chen, Gul, Veeraraghavan, & Zolotoy

¹³ Kannan, Skantz, & Higgs

¹⁴ Kim, Li, & Li

¹⁵ Duality

کنترل های داخلی^{۱۶} در سطح شرکت ها مربوط می شود به ارزیابی قابل اطمینان بودن گزارشات مالی شرکت ها و ارزیابی روند دستیابی به اهداف استراتژیک و عملیات شرکت و همچنین توانایی عمل کردن به مقررات و قوانین شرکت را ارزیابی می کند. کنترل داخلی، بخش مهمی از مدیریت یک سازمان است. بخشی که شامل برنامه ها، روش ها و رویه های مورد استفاده سازمان در دستیابی به رسالت وجودی و اهداف خرد و کلان خود است (GAO^{۱۷}). کنترل داخلی از نظر حسابرسان مستقل نیز حائز اهمیت بسیاری می باشد؛ زیرا حدود، نوع و اجرای کنترل های داخلی بیش از هر موضوع دیگر، در تعیین روش های حسابرسی و حجم رسیدگی های حسابرس موثر می باشد و حسابرس مستقل پس از بررسی چگونگی کنترل داخلی می تواند نسبت به گستردگی رسیدگی ها جهت اظهار نظر نسبت به گزارش های مالی تصمیم لازم را اتخاذ نماید. در این پژوهش به بررسی ارتباط پاداش مدیران، دوگانگی مدیرعامل و کنترل های داخلی با حق الزحمه حسابرسی پرداخته می شود؛ و از دیگر عوامل تاثیر گذار به عنوان موارد کنترلی استفاده می شود.

پیشینه و بسط فرضیه های پژوهش

برخی از مطالعات فرض کردند که پاداش مدیران اجرایی می تواند آنها را به مدیریت سود تشویق کند؛ بنابراین آنها اثر پاداش مدیران بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که بین پاداش مدیریت و دستکاری صورت های مالی ارتباط وجود دارد (برگ استرسر و فیلیپون، ۲۰۰۶؛ بون و کیدیا^{۱۸}، ۲۰۰۶؛ چنج و وارفیلد^{۱۹}، ۲۰۰۵؛ دنیس، هنونا و سارین^{۲۰}، ۲۰۰۶؛ افندی و همکاران، ۲۰۰۷؛ هریس و برورنیلی^{۲۱}، ۲۰۰۷؛ جایارامان و میلبرن، ۲۰۱۵؛ جانهسون، رایان و تیان^{۲۲}، ۲۰۰۹؛ لارکر و همکاران، ۲۰۰۷؛ اوکونر، پریم، کومبز و جیلی^{۲۳}، ۲۰۰۶). مطالعات کمتری هم شواهدی مبنی بر این ارتباط پیدانکردند (آراسترونک^{۲۴} و همکاران، ۲۰۱۰؛ بادر^{۲۵} و همکاران، ۲۰۰۷؛ اریکسون، هانلون و میدیو^{۲۶}، ۲۰۰۶). گال^{۲۷} و همکاران (۲۰۰۳)، اثر پاداش پرداختی به مدیران را روی اقلام تعهدی بررسی کردند. نتایج مطالعات آنها نشان داد با افزایش پاداش پرداختی به مدیران، انگیزه آنها برای دستکاری اقلام تعهدی و به عبارتی سود بیشتر شده است که حسابرسی با کیفیت بالاتر و در نتیجه حق الزحمه پرداختی بالاتری را ایجاب می کند. شرکت هایی که حق الزحمه حسابرسی مستقل بیشتری دارند (که نشان از تقاضای بیشتر برای نظارت بر گزارشگری مالی توسط

¹⁶ Internal controls

¹⁷ "Standards for Internal Control in the Federal Government", United States General Accounting Office (GAO)

¹⁸ Burns & Kedia

¹⁹ Cheng & Warfield

²⁰ Denis, Hanouna, & Sarin

²¹ Harris & Bromiley

²² Johnson, Ryan, & Tian

²³ O'Connor, Priem, Coombs, & Gilley

²⁴ Armstrong

²⁵ Baber

²⁶ Erickson, Hanlon, & Maydew

²⁷ Gul

افراد متخصص است)، دستمزد و پاداش بیشتری به کمیته حسابرسی پرداخت کرده اند (انجل^{۲۸} و همکاران، ۲۰۱۰). آشباک^{۲۹} و همکاران (۲۰۰۳) با مطالعه ای در مورد میزان مالکیت و کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسیدند که به کارگیری حسابرس با کیفیت تر هنگامی که سهام شرکت در اختیار سهامداران با درصد مالکیت بالا است، کاهش می یابد.

بدارد و جانسون^{۳۰} (۲۰۰۴) طی مطالعه ای به این نتیجه رسیدند با افزایش پاداش پرداختی به مدیران بر مبنای حاشیه سود شرکت، احتمال دستکاری سود افزایش یافته و حسابرسان نیز برای انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر و کشف موارد دستکاری حق الزحمه بالاتری را درخواست می کنند.

ویسوچی^{۳۱} در سال (۲۰۱۰) به بررسی اینکه پاداش مدیران بر درک حسابرسان از خطر حسابرسی تاثیر می گذارد، پرداخت. نتیجه مطالعه آنها نشان داد که یک ارتباط مثبت بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. بلینگ^{۳۲} و همکارانش در تحقیقی که سال (۲۰۱۴) بر روی انگیزه مالکیت مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی انجام دادند، یافتند که بین انگیزه مالکیت مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی وجود دارد ولی شواهدی مبنی بر ارتباط انگیزه مالکیت هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی پیدا نکردند. همچنین آنها یافتند که اثر انگیزه مالکیت مدیر عامل بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت هایی که کنترل داخلی بیشتری بر گزارشگری مالی دارند، بیشتر است. کانون^{۳۳} و همکاران (۲۰۱۴) طی تحقیقی یافتند که بین هر دو، هم انگیزه مالکیت مدیر عامل و هم هیئت مدیره شرکت و گا با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی وجود دارد؛ اما هیچ گونه ارتباطی بین انگیزه مالکیت مدیر عامل و هیئت مدیره شرکت دلتا با حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد. از طرفی دیگر تحقیقی که کیم^{۳۴} و همکارانش در سال (۲۰۱۵) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ارتباطی بین انگیزه مالکیت مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد ولی با پاداش هیئت مدیره ارتباطی وجود ندارد. به طور خاص، بین انگیزه مالکیت مدیر عامل شرکت و گا و حق الزحمه حسابرسی ارتباط وجود دارد ولی بین انگیزه مدیر عامل شرکت دلتا و پاداش هیئت مدیره هر دو شرکت و گا و دلتا با حق الزحمه حسابرسی ارتباطی وجود ندارد.

چن^{۳۵} و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیقاتشان مدارکی مبنی بر ارتباط مثبت بین انگیزه مالکیت مدیر عامل و گا و حق الزحمه حسابرسی یافتند اما به طور دقیق آنها این ارتباط را بعد از الزامات قانون ساربینز اکسلی^{۳۶} (۲۰۰۲) پیدا کردند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که ارتباط مثبت قوی تری بین پاداش مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی برای شرکت

²⁸ Engel

²⁹ Ashbaugh

³⁰ Bedard, Johnstone

³¹ Wysochi

³² Billings

³³ Kannan

³⁴ Kim

³⁵ Chen

³⁶ Sarbanes-Oxley

هایی که با خطر دعوی بالاتری روبرو هستند، وجود دارد. هریس^{۳۷} (۲۰۰۸) و ریسون^{۳۸} (۲۰۱۰) مطالعاتی در مورد نقش هیئت مدیره در تعیین هزینه حسابرسی انجام دادند. آنها به نتایجی دست یافتند که با توجه به نفوذ هیئت مدیره در تغییر حسابرس، هیئت مدیره با استفاده از ادبیات حرفه ای خود به طور برنامه ریزی شده هزینه حسابرسی را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد.

با توجه به مطالعاتی که انجام شده است و حائز اهمیت بودن نقش مدیران ما احتمال دادیم که بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد و با تبیین فرضیه ذیل به بررسی این موضوع می پردازیم.

H1: بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

جانستون و بدارد (۲۰۰۴)، چگونگی ارزیابی حسابرسان از خطر دست کاری سود توسط مدیریت واحد تجاری و همچنین خطرات ناشی از ضعف حاکمیت شرکتی را مورد بررسی قرار دادند. محققان نشان دادند که چگونه حسابرسان در حضور این ریسک ها، اقدام به برنامه ریزی و تعیین حق الزحمه می نمایند. برای انجام تحقیق، از ارزیابی شرکایی استفاده شد که صاحبکارانشان در حسابداری بخش عمومی فعالیت می کردند. یافته های حاصل از پژوهش نشان داد که حسابرسان ساعات برنامه ریزی شده و نرخ حق الزحمه بالاتری را برای صاحبکارانی که با خطر دست کاری سود مواجه اند، در نظر می گیرند. آن ها برای موارد فوق یک رابطه مستقیم را نشان دادند. همچنین آن ها در مورد شرکت هایی که از سطح حاکمیتی ضعیفی برخوردارند، بیان نمودند که یک رابطه مثبت قوی تری بین خطر دست کاری سود، ساعات برنامه ریزی شده و میزان حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. این یافته ها، شواهدی را در مورد وضعیتی فراهم کرد که در آن حسابرسان، به صورت هم زمان هم با یک مدیریت متقلب و هم با یک سطح حاکمیت شرکتی ضعیف، مواجه می شوند.

دیسندر^{۳۹} و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی ارتباط بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی به این نتیجه رسیدند که خدمات حسابرسی و استقلال هیأت مدیره زمانی که مالکیت پراکنده است مکمل هم هستند، که به این اشاره دارد که مالکیت متمرکز و ترکیب هیأت مدیره در نظارت بر مدیریت جانشین های مناسبی برای هم هستند و همچنین نتیجه گرفتند که بین ترکیب های هیأت مدیره (استقلال ودوگانگی مدیرعامل) و حق الزحمه حسابرسی ارتباط وجود دارد.

کیم و همکاران (۲۰۱۱) انگیزه مالکیت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی بررسی کردند، که آیا انگیزه مالکیت مدیرعامل روی حق الزحمه حسابرسی اثر خواهد داشت؟ تحقیقات قبلی نشان می دهد که مالکیت مدیرعامل، انگیزه های مدیران اجرایی را در مدیریت سود برای سودهای مالی شخصی زیاد می کند. اگر حسابرس انگیزه های مالکیت مدیرعامل در ارتباط با سودهای هنگفت مشاهده کند، ریسک دستکاری و دیگر ریسک ها را در تصمیم گیری

³⁷ Harris

³⁸ Reason

³⁹ Desender

درباره حق الزحمه ترکیب می کند. آنها انتظار داشتند که ارتباط بین انگیزه مالکیت مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی مثبت باشد. نتایج با پیش بینی آنها هماهنگ است. آنها نشان دادند که اختیار خرید سهام مدیر عامل به طور مثبت با حق الزحمه حسابرسی پس از کنترل ارقام تعهدی غیر عادی و دیگر عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی در ارتباط است. علاوه بر این، آنها نشان دادند که رابطه مثبت بین اهدای اختیار خرید سهام مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی برای شرکت هایی با حاکمیت شرکتی کارا تر کاهش می یابد.

بن علی^{۴۰} (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین نوع سهامداران کنترل کننده و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. آنان سهامداران کنترل کننده را به سه دسته سهامداران نهادی، سهامداران دولتی و سهامداران خانوادگی تقسیم کردند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد که رابطه معناداری بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد، اما بین مالکیت نهادی و دولتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی دیده می شود. چیراز^{۴۱} و همکاران (۲۰۱۳) با پژوهشی در مورد حق الزحمه حسابرسی و ساختار مالکیت سهامداران در بین شرکت های فرانسوی نشان دادند که بین سهامداران دولتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معنادار و بین سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

با توجه به مطالعات انجام شده و نتایج بدست آمده از آنها در مورد اهمیت و تاثیر ساختار حاکمیتی بر حق الزحمه حسابرسی این پژوهش به بررسی ارتباط بین دوگانگی مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی از طریق تبیین فرضیه ذیل می پردازد.

H2: بین دوگانگی مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

سابرامانیام و اگنوا^{۴۲} (۲۰۰۷)، شواهد اولیه ای را در ارتباط با همبستگی نقاط ضعف سیستم کنترل های داخلی و هزینه سرمایه شرکت به دست آوردند. آنها هزینه سرمایه شرکت هایی که نقاط ضعف کنترل های داخلی را گزارش می کنند را با هزینه سرمایه شرکت هایی که این موارد را افشاء و گزارش نمی کنند را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که، یک افزایش نهایی در هزینه سرمایه بین شرکت های افشا کننده نقاط ضعف سیستم و شرکت هایی که هیچ گونه افشایی در این خصوص انجام نمی دهند وجود دارد و مطالعات، شواهدی را در این خصوص که نقاط ضعف سیستم کنترل های داخلی عدم قطعیت اطلاعات در بازار را افزایش می دهد، نشان داد.

همرسل^{۴۳} و همکاران (۲۰۰۷) پژوهشی را تحت عنوان ضعف در کنترل های داخلی و هزینه سرمایه بر اساس شواهدی از بخش ۴۰۴ قانون ساربینزاکسلی به انجام رساندند. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین ضعف در

⁴⁰ Ben Ali

⁴¹ Chiraz

⁴² Subramanyam and Ogneva

⁴³ Hammersley

کنترل های داخلی و هزینه سرمایه شرکت ها ارتباط مستقیم وجود دارد و هر چه کنترل های داخلی ضعیف تر باشند، هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام بالاتر است.

گردن و اسمیت^{۴۴} (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان کنترل های داخلی، مدیریت ریسک شرکت و عملکرد شرکت، از یکسو رابطه بین کنترل های داخلی شرکت ها و عملکرد شرکت ها و از سوی دیگر رابطه بین کنترل های داخلی و مدیریت ریسک شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکت های دارای ضعف کنترل داخلی ارزش بازار پایین تری دارند. همچنین آنها دریافتند که هرچه ضعف کنترل های داخلی افشا شده بیشتر باشد، ارزش بازار شرکت پایین تر خواهد بود.

ژیانگ^{۴۵} و همکاران (۲۰۰۹)، به بررسی و آزمون این موضوع پرداختند، که آیا ارتباطی بین کیفیت کنترل های داخلی و ارزیابی های حسابرسان و اظهارنظر آنها در خصوص تداوم فعالیت شرکت با توجه به الزامات مربوط به ساربنز اکسلی ۲۰۰۲ وجود دارد؟ این تحقیق بر روی شرکت هایی که طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵، دارای توان و ساختار مالی ضعیفتری بوده و به انتشار گزارش کنترل های داخلی اقدام کرده بودند، پرداخت. نتایج حاصل از تحقیق گویای این مطلب است که شرکت هایی که دارای ساختار کنترل های داخلی ضعیفتر و نقاط ضعف با اهمیت، نیاز بیشتری به دریافت اظهارنظر حسابرسان و ارزیابی های آنها در خصوص تداوم فعالیت شرکت داشته اند. بعلاوه تجزیه و تحلیل ها نشان می دهد، که ارتباط مثبت و معناداری بین افشا نقاط ضعف با اهمیت و نیز تمایل حسابرسان به انتشار گزارش در خصوص تداوم فعالیت شرکت هایی که نقاط ضعف با اهمیت را در سطح کل شرکت افشا می کنند وجود دارد.

با توجه به مطالعات انجام شده و در نظر گرفتن این موضوع که کنترل های داخلی و ارزیابی آنها از منظر حسابرسان جهت برنامه ریزی بسیار حائز اهمیت می باشد. در این پژوهش فرض می شود که بین ضعف کنترل های داخلی و حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

H3: بین ضعف کنترل های داخلی و حق الزحمه حسابرسی یک ارتباط معناداری وجود دارد.

نمونه

نمونه این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال های ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۹ می باشد. نمونه این مطالعه با توجه به موضوع آن، از نوع نمونه گیری حذفی است که در آن شرکت های انتخاب شده باتوجه به محدودیت های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه ای از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که دارای شرایط ذیل باشند:

⁴⁴ Gordon and Smith

⁴⁵ Zhang

۱. شرکت‌ها عضو صنایع واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها نباشند. علت این امر از این جهت است که چنین شرکت‌هایی از نظر ماهیت فعالیت و طبقه‌بندی اقلام صورت‌های مالی، با دیگر شرکت‌ها دارای تفاوت‌هایی می‌باشند.

۲. معاملات شرکت‌ها نباید طی دوره‌ی پژوهش به‌طور کامل متوقف شده باشد (نماد شرکت از بورس خارج شده باشد).

۳. شرکت‌ها حداقل از ابتدای سال ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۴. کلیه داده‌های مورد نیاز تحقیق برای آن شرکت‌ها، در طی دوره زمانی تحقیق، موجود و در دسترس باشد.

جدول شماره ۱: آنالیز شرکت‌های موجود در نمونه آماری

ردیف	شرح	تعداد شرکت‌ها
۱	کل جامعه آماری (در تاریخ جمع‌آوری اطلاعات)	۴۹۷
۲	شرکت‌های عضو صنایع واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها	(۱۴۹)
۳	شرکت‌های حذف شده از بورس (توقف نماد)	(۱۲۸)
۴	شرکت‌هایی که حداقل از ابتدای سال ۹۰ در بورس پذیرفته نشده باشند (بعد سال ۹۰ وارد بورس شده اند)	(۲۳)
۵	شرکت‌هایی که اطلاعات آن در دوره زمانی پژوهش در دسترس نبوده	(۱۰۶)
جامعه آماری مورد بررسی		۹۱
تعداد شرکت‌های نمونه در این پژوهش		۹۱

روش

در این پژوهش به منظور بررسی میزان تاثیر پاداش مدیران، دوگانگی مدیر عامل و کیفیت کنترل‌های داخلی بر حق الزحمه حسابرسی از روش رگرسیونی ارائه شده توسط دیوید و ترری^{۴۶} (۲۰۱۶) به صورت ذیل استفاده می‌کنیم:

مدل

$$\text{LNAF} = \beta_0 + \beta_1 \text{LNCom} + \beta_2 \text{CEO Dual} + \beta_3 \text{In-Con W} + \beta_4 \text{LNSize} + \beta_5 \text{RECTA} + \beta_6 \text{INVTA} + \beta_7 \text{CASH_FLOW} + \beta_8 \text{SPFIRM} + \beta_9 \text{LOSS} + \beta_{10} \text{LEVERAGE} + \beta_{11} \text{LIQ} + \beta_{12} \text{ROA} + \beta_{13} \text{RESIDENCE} + \beta_{14} \text{BIG} + \beta_{15} \text{FIRMTENURE} + \beta_{16} \text{REPORTLAG} + \beta_{17} \Sigma \text{Industry} + \beta_{18} \Sigma \text{Year} + \varepsilon$$

⁴⁶ David and Terry

که در مدل فوق:

LNAF: این متغیر را از مبلغ درج شده در صورت های مالی شرکت ها بدست می آوریم بنابراین ما نیاز داریم که شرکت های عضو نمونه ما شرکت هایی باشند که هزینه حق الزحمه حسابرسی آنها در صورت های مالی افشا شده باشد.

LNCom: لگاریتمی طبیعی از پاداش پرداختی به مدیران در سال مورد نظر است.

CEO Dual: یک متغیر ساختگی صفر و یکی می باشد. بدین صورت که اگر مدیر عامل شرکت همزمان سمت رئیس هیئت مدیره یا نایب رئیسی هیئت مدیره را داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر است.

In-Con W: این متغیر از گزارش حسابرسی سال قبل قابل استخراج است. به این ترتیب که اگر حسابرس در سال قبل در گزارش خود ضعف با اهمیتی در کنترل های داخلی کشف و افشا کرده باشد یک در نظر می گیریم و اگر در گزارش خود موارد ضعفی در کنترل های داخلی بیان نکرده باشد صفر می باشد.

Ln SIZE: لگاریتم طبیعی متوسط دارایی و فروش.

RECTA: نسبت مطالبات به کل دارایی

IN VTA: نسبت موجودی به کل دارایی

CASH_FLOW: نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی شرکت نسبت به کل دارایی ها می باشد؛ که از تقسیم وجوه نقد عملیاتی به دارایی ها محاسبه می کنیم.

LOSS: از این متغیر جهت مشخص نمودن وضعیت شرکت استفاده کردیم و اگر شرکت زیان داشته باشد و افشا نموده باشد یک و در غیر این صورت با صفر نشان می دهیم.

LEVERAGE: از تقسیم کردن کل بدهی های به کل دارایی ها بدست می آوریم و به عنوان یک اهرم مالی جهت مشخص شدن قدرت شرکت نسبت به بدهی ها استفاده کردیم.

AR_INV: این متغیر از جمع دارایی های جاری به جز وجه نقد (حسابهای دریافتی و موجودی کالا) که حاصل آن را بر کل دارایی ها تقسیم می کنیم و به عنوان عامل نشان دهنده ریسک عملیاتی در نظر گرفتیم.

LIQ: نسبت دارایی های جاری به بدهی های جاری

DA: نسبت کل بدهی به کل دارایی

ROA: سود خالص به کل دارایی

BIG: برابر با یک اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی یا موسسات دارای رتبه الف جامعه حسابداران رسمی، حسابرسی شود و در غیر این صورت صفر

SPFIRM: برابر با یک اگر موسسه حسابرسی در صنعت تخصص داشته باشد و صفر در غیر اینصورت

FIRMTENURE: تعداد سال های تصدی حسابر

Inflation: این متغیر نشان دهنده میزان تورم است؛ که نرخ آن را از بانک مرکزی بدست می آوریم.

FOREIGN: اگر شرکت در سال مورد نظر معاملات خارجی داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر است.

AGE: این متغیر نشان دهنده تعداد سال های حضور شرکت در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

Industry: جهت بررسی اثر صنعت به هر صنعت یک کد اختصاص داده شده است. این متغیرنوع صنعت که شرکت مورد نظر در آن فعالیت می کند را مشخص می کند.

یافته ها

مدل مربوط به آزمون فرضیه های پژوهش، پارامترهای این مدل به شرح جدول ذیل برآورد گردید:

جدول شماره ۲- نتایج برازش مدل مربوط به آزمون فرضیه های پژوهش

متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیون	انحراف معیار	آماره t	P - Value
مقدار ثابت	α_0	۲/۲۴۱	۰/۳۰۹	۷/۲۳۴	۰/۰۰۰
لگاریتم طبیعی پاداش مدیران	LnCom	۰/۰۳۶	۰/۰۰۹	۳/۹۸۱	۰/۰۰۰۱
نقش دوگانه مدیرعامل	CEO Dual	۰/۰۷۸	۰/۰۵۳	۱/۴۹۳	۰/۱۳۷
کیفیت کنترل داخلی	COW	-۰/۰۰۵	۰/۰۳۶	-۰/۱۴۲	۰/۸۸۷
اندازه شرکت	LNSIZE	۰/۳۰۲	۰۲/۰۱۹۳	۱۵/۶۴۲	۰/۰۰۰
نسبت مطالبات به دارایی ها	RECTA	-۰/۳۵۱	۰/۱۱۸	-۲/۹۶۲	۰/۰۰۳
نسبت موجودی به دارایی ها	INVTA	-۰/۱۰۷	۰/۱۷۰	-۰/۶۲۶	۰/۵۳۱
جریان نقد عملیاتی	CFO	-۰/۲۰۳	۰/۱۶۲	-۱/۲۵۳	۰/۲۱۱
زیان	LOSS	-۰/۰۰۲	۰/۰۷۲	-۰/۰۲۶	۰/۹۷۸
اهرم مالی	LEV	-۰/۱۴۳	۰/۰۸۸	-۱/۶۱۸	۰/۱۰۷
نسبت دارایی های جاری به بدهی جاری	LIQ	-۰/۰۵۷	۰/۰۳۱	-۱/۸۴۵	۰/۰۶۶
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۶۷۲	۰/۲۱۰	-۳/۱۹۲	۰/۰۰۲
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIG	۰/۰۷۳	۰/۰۴۵	۱/۶۲۰	۰/۱۰۶
تخصص صنعت حسابرس	Audit-Exp	۰/۲۱۸	۰/۰۴۵	۴/۸۳۵	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	TENURE	۰/۰۶۶	۰/۰۰۷	۹/۳۰۵	۰/۰۰۰
روزهای بین سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی	REPORRLAG	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۶	۲/۸۱۸	۰/۰۰۵۲
محل مؤسسه حسابرسی	RESIDEN	۰/۱۲۵	۰/۰۴۲	۲/۹۱۶	۰/۰۰۳۹
ضریب تعیین	۰/۸۶	آماره F مدل		۹۱/۵۹۶	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۵	سطح معناداری رگرسیون		۰/۰۰۰	

همانطور که از نتایج جدول شماره ۲ مشخص است، با توجه به آماره t در سطح معنی داری ضرایب و علامت ضریب رگرسیون هر یک متغیرها می توان نتیجه گرفت که متغیرهای لگاریتم طبیعی پاداش مدیران، اندازه شرکت، تخصص صنعت حسابر، دوره تصدی حسابر، روزهای بین سال مالی و تاریخ گزارش حسابر و محل مؤسسه حسابر دارای رابطه مثبت و معناداری با سطح حق الزحمه حسابر شرکت می باشند و از طرف دیگر نسبت مطالبات به دارایی ها رابطه منفی و معناداری با سطح حق الزحمه حسابر شرکت دارد. با توجه به وجود رابطه مثبت و معنادار بین لگاریتم طبیعی پاداش مدیران و سطح حق الزحمه حسابر شرکت فرضیه اول پژوهش پذیرفته می شود از طرف دیگر عدم وجود رابطه معنادار بین نقش دوگانگی مدیرعامل و ضعف کنترل های داخلی با میزان حق الزحمه حسابر، به ترتیب فرضیه دوم و سوم پژوهش، پذیرفته نمی شوند.

همچنین، آماره F مدل و احتمال آن به ترتیب برابر ۹۱,۵۹۶ و ۰,۰۰۰ می باشد که نشان از معناداری کل مدل می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر ۰,۸۵ بوده که حاکی از این امر است که بالغ بر ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی موجود در مدل تصریح گردیده است.

نتیجه گیری

بحث و موضوع اصلی در این پژوهش بررسی میزان تاثیر پاداش مدیران، دوگانگی مدیرعامل و کیفیت کنترل های داخلی بر حق الزحمه حسابر می باشد. حق الزحمه حسابر مبلغ درج شده در صورت های مالی مورد نظر قرار گرفته است و پاداش مدیران از طریق تصمیمات جلسه مجمع عمومی استخراج شده است. مبنای دوگانگی مدیرعامل نیز منتسب بودن همزمان مدیریت عامل و رئیس یا معاون رئیس هیئت مدیره به یک شخص که از گزارشات هیئت مدیره بدست آمده است؛ و کیفیت کنترل های داخلی نیز، مبنای اندازه گیری آن اشاره کردن حسابر در گزارش خود مبنی بر ضعف با اهمیت کنترل داخلی، در نظر گرفته شد.

در مورد **فرضیه اول** این پژوهش بر اساس مدل رگرسیونی دیوید و ترری (۲۰۱۶) یک ارتباط مثبت و معناداری بین پاداش مدیران با حق الزحمه حسابر مشاهده گردیده است. این نتیجه با پژوهش گال و همکارانش (۲۰۰۳) و آنجل و همکاران (۲۰۱۰)، بدراد و جانسون (۲۰۰۴)، ویسوچی (۲۰۱۰) که نشان دادند رابطه مثبت و معناداری بین پاداش مدیران با حق الزحمه حسابر وجود دارد، همسو می باشد.

از طرف دیگر وجود رابطه مثبت معنادار بین پاداش مدیران با حق الزحمه حسابر با نتایج پژوهش آراسترونک و همکاران (۲۰۱۰)، بادر و همکاران (۲۰۰۷)، اریکسون و همکاران (۲۰۰۶) که نشان دادند بین انحصار بازار حسابر با حق الزحمه حسابر رابطه معناداری وجود ندارد در تضاد است.

در خصوص **فرضیه دوم** رابطه بین دوگانگی مدیرعامل با حق الزحمه حسابر بر اساس مدل رگرسیونی دیوید و ترری (۲۰۱۶) علیرغم وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر، رابطه معناداری مشاهده نگردیده است. این نتیجه با نتایج پژوهش های بوو و شاما (۲۰۰۸) از نظر عدم ارتباط معنادار هم سو می باشد.

از طرفی این عدم وجود ارتباط معنادار بین دوگانگی مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی با نتایج پژوهش دیسندر و همکارانش (۲۰۱۱) که نشان دادند بین این دو ارتباط معناداری وجود دارد، در تضاد می باشد.

نتیجه این پژوهش از جهت مثبت بودن ارتباط با نتیجه پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۱) هم جهت ولی از لحاظ وجود ارتباط معنادار با نتایج پژوهش آنها که نشان دادند بین این دو متغیر ارتباط معناداری وجود دارد در تضاد می باشد.

در مورد **فرضیه سوم** رابطه بین ضعف کنترل داخلی و حق الزحمه حسابرسی که بر اساس مدل رگرسیونی هوآنگ و همکاران (۲۰۱۵) صورت گرفته است. نتیجه پژوهش نشان داد که بین ضعف کنترل داخلی و حق الزحمه حسابرسی علی الرغم رابطه منفی بین این دو متغیر هیچ گونه ارتباط معناداری مشاهده نگردیده است. همچنین لازم به توضیح است که مطالعه ای به طور مستقیم تا کنون چگونگی ارتباط این دو متغیر را مورد بررسی قرار نداده است؛ بنابراین به طور صریح نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش های دیگر به علت عدم وجودی قابلیت مقایسه ندارد.

منابع

- Armstrong, C. S., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2010). Chief executive officer equity incentives and accounting irregularities. *Journal of Accounting Research*, 48(2), 225-271.
- Ashbaugh, H., & Warfield, T. D. (2003). Audits as a corporate governance mechanism: Evidence from the German market. *Journal of International Accounting Research*, 2(1), 1-21.
- Baber, W., Kang, S., Liang, L., & Zhu, Z. (2009). Shareholder rights, corporate governance and accounting restatement. In *Working paper, Georgetown University*.
- Bedard, J. C., & Johnstone, K. M. (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions. *The Accounting Review*, 79(2), 277-304.
- Ben Ali, C. (2011). Ownership concentration and audit fees. Do auditors matter most when investors are protected least? Available at URL: www.hec.fr.
- Bergstresser, D., & Philippon, T. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of financial economics*, 80(3), 511-529.
- Billings, B. A., Gao, X., & Jia, Y. (2013). CEO and CFO equity incentives and the pricing of audit services. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 1-25.
- Boo, e.f., D.sharma. (2008)." The Associatiin between Corporate Governance and Audit Fee of Bank Holding Companies". *Corporate governance*. 8(4). 28-45.
- Bryan, D. B., & Mason, T. W. (2016). Extreme CEO pay cuts and audit fees. *Advances in Accounting*, 33, 1-10.
- Burns, N., & Kedia, S. (2006). The impact of performance-based compensation on misreporting. *Journal of financial economics*, 79(1), 35-67.
- Chen, Y., Gul, F. A., Veeraraghavan, M., & Zolotoy, L. (2015). Executive equity risk-taking incentives and audit pricing. *The Accounting Review*, 90(6), 2205-2234.
- Cheng, Q., & Warfield, T. D. (2005). Equity incentives and earnings management. *The accounting review*, 80(2), 441-476.
- Chiraz, Ben Ali. Cedric, Lesage. (2013). Auditing pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France. *China journal of accounting Research*. No 6. Pp 21-34.
- Denis, D. J., Hanouna, P., & Sarin, A. (2006). Is there a dark side to incentive compensation?. *Journal of Corporate Finance*, 12(3), 467-488.

- Desender, K., Aguilera, R. V., Crespi-Cladera, R., & Garcia-Cestona, M. A. (2011). *Board characteristics and audit fees: When does ownership matter*. Working Paper. University of Illinois, IL.
- Douppnik, T. S. (2008). Influence of culture on earnings management: A note. *Abacus*, 44(3), 317-340.
- Efendi, J., Srivastava, A., & Swanson, E. P. (2007). Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation and other factors. *Journal of Financial Economics*, 85(3), 667-708.
- Engel, E., Hayes, R. M., & Wang, X. (2010). Audit committee compensation and the demand for monitoring of the financial reporting process. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1), 136-154.
- Erickson, M., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2006). Is there a link between executive equity incentives and accounting fraud?. *Journal of Accounting Research*, 44(1), 113-143.
- Gul, F. A., Chen, C. J., & Tsui, J. S. (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 20(3), 441-464.
- Hammersley, J. S., Myers, L. A., & Shakespeare, C. (2008). Market reactions to the disclosure of internal control weaknesses and to the characteristics of those weaknesses under Section 302 of the Sarbanes Oxley Act of 2002. *Review of Accounting Studies*, 13(1), 141-165.
- Harris, J., & Bromiley, P. (2007). Incentives to cheat: The influence of executive compensation and firm performance on financial misrepresentation. *Organization Science*, 18(3), 350-367..
- Hoitash, R., Markelevich, A., & Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 22(8), 761-786.
- Jayaraman, S., & Milbourn, T. (2014). CEO equity incentives and financial misreporting: The role of auditor expertise. *The Accounting Review*, 90(1), 321-350.
- Johnson, S. A., Ryan, H. E., & Tian, Y. S. (2009). Managerial incentives and corporate fraud: The sources of incentives matter. *Review of Finance*, 13(1), 115-145.
- Kannan, Y. H., Skantz, T. R., & Higgs, J. L. (2014). The impact of CEO and CFO equity incentives on audit scope and perceived risks as revealed through audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 111-139.
- Karim, A. K. M. (2010). Audit Pricing, Audit Concentration, and Big-4 Premium in Bangladesh. *Browser Download This Paper*.
- Kim, Y., Li, H., & Li, S. (2015). CEO equity incentives and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 608-638.
- Larcker, D. F., Richardson, S. A., & Tuna, I. (2007). Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance. *The Accounting Review*, 82(4), 963-1008.
- O'Connor, J. P., Priem, R. L., Coombs, J. E., & Gilley, K. M. (2006). Do CEO stock options prevent or promote fraudulent financial reporting?. *Academy of Management Journal*, 49(3), 483-500.
- Ogneva, M., Subramanyam, K. R., & Raghunandan, K. (2007). Internal control weakness and cost of equity: Evidence from SOX Section 404 disclosures. *The Accounting Review*, 82(5), 1255-1297.

- Rao, N., & Dandale, S. (2008). Earnings management: A study of equity rights issues in India. *The ICFAI Journal of Applied Finance*, 14(11), 20-34.
- Reason, T. (2010). Auditing your auditor. *CFO Magazine*, (April).
- Smith, G. (2007). Greatest IT audit and security risks of 2006. *Journal of Corporate Accounting & Finance*, 18(4), 43-48.
- Wysocki, P. (2010). Corporate compensation policies and audit fees. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1), 155-160.
- Zhang, Y., Zhou, J., & Zhou, N. (2007). Audit committee quality, auditor independence, and internal control weaknesses. *Journal of accounting and public policy*, 26(3), 300-327.

Investigating the Relationship between Managers' Remuneration, CEO Duplication and Weakness of Internal Organization Control over Audit Remuneration

Amir Shams^{*1}

Mina Jami²

Mahmoud Nemati³

Date of Receipt: 2021/11/01 Date of Issue: 2021/11/28

Abstract

The main topic of this study is to investigate the impact of managers' remuneration, CEO duality and the quality of internal controls on auditing fees. The auditing fee is the amount stated in the financial statements and the remuneration of the directors is extracted through the decisions of the General Assembly. The basis for the duality of the CEO is the simultaneous attribution of the CEO and the Chairman or Deputy Chairman of the Board to a person obtained from the reports of the Board and the quality of internal controls. Internal control is provided. To investigate the subject of research in Tehran Stock Exchange during the years 1397 to 1399, a sample was selected as a systematic removal which consisted of 91 companies. Composite effects, fixed effects and random effects were used. The results showed that there is a positive and significant relationship between the natural logarithm of managers' remuneration and the level of audit fees of the company and on the other hand there is no significant relationship between the dual role of CEO and weak internal controls with the amount of audit fees.

Keywords

Managers' Rewards, CEO Duality, Organizational Internal Control, Audit Fees, Stock Exchange

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Torbat-e-Jam Branch, Islamic Azad University, Torbat-e-Jam, Iran. (Corresponding Author)
2. Management Department, Torbat-e-Jam Branch, Islamic Azad University, Torbat-e-Jam, Iran
3. Management Department, Torbat Jam Branch, Islamic Azad University, Torbat Jam, Iran.